فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی دوم، شماره‌ی۱، تابستان ۹۲، صفحات ۱۸۲-۱۵۹

توسعه‌ی اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان

محمد فاضلی[۱]، سجاد فتاحی[۲]،سیده نسترن زنجان رفیعی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۲٤ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۱۲

چکیده

در این مقاله تلاش شده است در گام نخست با بررسی تعاریف مختلف ارائه شده از مفهوم توسعه‌ی اجتماعی و تحلیل این تعاریف، ضمن شناسایی ابعاد مختلف این مفهوم تعریفی جامع از آن ارائه شود و در گام بعد تلاش شد با شناسایی و بررسی شاخص‌های متعددی که برای سنجش این مفهوم از سوی سازمان‌های مختلف ارائه شده است، جامع‌ترین شاخص موجود در زمینه‌ی توسعه‌ی اجتماعی که ابعاد بیش‌تری از این مفهوم پیچیده را مورد سنجش قرار می‌دهد، شناسایی گردد. در بخش سوم با توجه به شاخص انتخابی، ضمن ارائه شدن گزارشی از وضعیت کنونی توسعه‌ی اجتماعی در ایران، وضعیت رتبه‌ای این کشور با سایر کشورهای جهان مقایسه شده است. با توجه به نتایج حاصل، وضعیت کنونی توسعه‌ی اجتماعی در ایران، در مقایسه با سایر کشورهای جهان و کشورهای ١٦ گانه‌ی منطقه از وضعیت چندان مناسبی برخوردار نیست و نیازمند تأمّلی جدّی پیرامون چرایی این امر و چگونگی بهبود و تغییر آن است.

واژه‌های کلیدی: توسعه‌ی اجتماعی، شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی، ایران، نظریه‌ی مجموعه‌ها

[۱]- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسؤول) fazeli114@yahoo.com

[۲]- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران fattahisajjad@gmail.com

[۳]- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی nastaran.rafiei@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱- مقدمه

بنیادی‌ترین نیازی که بشر و جوامع بشری از ابتدای پیدایش خود با آن روبه‌رو بوده‌اند نیاز به بقا در محیطی پیچیده است؛ از قضا انسان برای مواجهه با این پیچیدگی‌ها از نظر زیستی نیز تجهیز نشده و از همین رو نیازمند نهادها و زندگی اجتماعی است (رک: ترنر، ۲۰۰۶:۳۱). نیکولاس لومن معتقد است که همه‌ی سیستم‌های اجتماعی در محیط‌هایی چند بعدی حضور دارند که به صورت بالقوّه پیچیدگی‌های بی‌پایانی را ایجاد کنند این سیستم‌ها برای بقا می‌بایست مکانیزم‌هایی را برای کاهش پیچیدگی محیط و ایجاد مرزی میان خود و آن برای بقا ایجاد کنند (رک: ترنر، ۲۰۰۳: ٥٤-۷۱). با مبنا قرار دادن این مطالب می‌توان به این تعریف جامع از توسعه دست یافت که: «توسعه عبارت است از افزایش توانایی جوامع بشری برای مواجهه با پیچیدگی‌های بی پایان محیطی». بر این اساس و با در نظر داشتن منطق فازی (رک: ریگین، ۲۰۰۰ و ریگین، ۲۰۰۸) جوامع از نظر میزان توسعه یافتگی، حاوی درجات متفاوتی هستند؛ برخی جوامع و کشورها بنا به‌دلایل مختلفی که پرداختن به آن‌ها از حوصله‌ی این مقاله خارج است از آفرینش مکانیزم‌هایی برای مواجهه با این پیچیدگی‌های محیطی ناتوان هستند و در معرض نابودی و فروپاشی قرار دارند و برخی جوامع دیگر، در مواجهه با این پیچیدگی‌ها از سایرین موفق‌تر هستند و از درجات بالاتری از توسعه یافتگی برخوردارند.

برای مدت‌هایی مدید، نگرشی تک بعدی بر مطالعات توسعه حاکم بود و توسعه با توسعه‌ی اقتصادی مترادف در نظر گرفته می‌شد، اما با افزایش دانش بشری، رفته رفته، این نگرش تک‌بعدی به حاشیه رانده شد چنان‌که توسعه را پدیده‌ای دارای پیچیدگی علّی دانسته‌اند که برای حصول به آن می‌بایست مجموعه‌ای از علل در کنار یک‌دیگر قرار گیرند (رک: ریگین، ۱۳۸۸). از این دیدگاه تأکید بر متغیّرهای صرفاً اقتصادی و یا سیاسی و توجه صرف به یکی از ابعاد توسعه لزوماً به توسعه و افزایش توانایی سیستم اجتماعی در مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی منجر نخواهد شد و حتی در مواردی اتّخاذ این نگرش تک بعدی می‌تواند سیستم را در مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی آسیب‌پذیرتر کند.[۱]

افزایش دانش بشری در زمینه‌ی ابعاد مختلف توسعه و لزوم نگریستن به آن به مثابه‌ی مجموعه‌ای عِلّی، اندیشمندان را بر آن داشت که از توسعه‌ی اقتصادی فراتر روند و به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مفاهیمی چون توسعه‌ی سیاسی، فرهنگی و ... بیندیشند و هر یک در رشته‌های تخصصی خود و از زاویه‌ی دید خود علل دخیل در توسعه‌ی جوامع را شناسایی کنند. اکنون در مقایسه با دهه‌های پیش دانش بشری پیرامون شرایط و علل بقا و زوال جوامع و سیستم‌های اجتماعی رشد قابل ملاحظه‌ای کرده و به‌نظر می‌رسد زمان آن فرا رسیده است که با اتّخاذ رویکری کل‌گرا، مجموعه‌ای، سیستمی و میان رشته‌ای ضمن شناسایی علل مختلف توسعه، اهمیت علّی هر یک از این علل و میزان اثرگذاری آن بر رشد و توسعه‌ی جوامع را شناسایی نماییم.

۲- اهمیت و تعریف توسعه‌ی اجتماعی

با وجود آن که در سند کپنهاگ[۲]، به میزان زیادی حدود و ثغور مفهوم توسعه‌ی اجتماعی مشخص شده است؛ در میان اندیشمندان و محققان مختلف، اجماعی بر سر تعریفی مشخص از این مفهوم وجود ندارد. علت این امر را می‌توان در دو عامل عمده یافت. نخست ماهیت مفهوم توسعه و مبهم و پیچیده بودن آن، که این خصیصه در ارتباط با توسعه‌ی اجتماعی به دلیل ارزشی و هنجاری بودن آن، به‌مراتب حادتر شده است؛ و دیگری نوظهور بودن این مفهوم در پژوهش‌های جهانی (رک: پیران، ۱۳۸۲).

به‌طور کلی می‌توان تعاریف ارائه شده از توسعه‌ی اجتماعی را به دو دسته‌ی کلی تعاریف خاص و تعاریف عام تقسیم کرد. در تعاریف خاص از توسعه‌ی اجتماعی، تعریف بیش‌تر بر یک یا چند بعد مختصر تأکید کرده و اهمیت آن بعد و یا ابعاد در فرایند توسعه‌ی اجتماعی را برجسته ساخته است. اما در تعاریف عام، توسعه‌ی اجتماعی به مثابه‌ی یک کلیت در نظر گرفته شده است که دارای ابعاد مختلفی بوده و برای سنجش این مفهوم نیازمند سنجش تمامی ابعاد زیر مجموعه آن هستیم. بر این اساس در ادامه، توضیحاتی مختصر پیرامون هر یک از این دسته‌بندی‌ها ارائه و با ارائه‌ی برخی از شاخص‌ترین تعاریف ارائه شده در ذیل هر یک از این تقسیم‌بندی‌ها و استخراج برخی از مهمترین عناصر موجود در آن‌ها، زمینه برای برساخت تعریفی از توسعه‌ی اجتماعی که توانایی در برگرفتن تمامی ابعاد اشاره شده در ذیل این تعاریف را داشته باشد آماده می‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۲-۱- تعاریف خاص از توسعه‌ی اجتماعی

همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد این دسته از تعریف‌ها با تأکید بر یک و یا دو بعد مشخص در تعریف خود از توسعه‌ی اجتماعی این ابعاد را برجسته کرده‌اند.

در میان این دسته از تعاریف، برخی تعاریف از مقبولیت و کاربرد گسترده‌تری برخوردارند که از آن جمله می‌توان به تعریف استس[1] از این مفهوم اشاره کرد. استس با تأکید بر دو بعد اقتصاد و آزادی، توسعه‌ی اجتماعی را حوزه‌ای میان‌رشته‌ای و میان‌بخشی دانسته است که در جستجوی بهبود رفاه[2] مادی و اجتماعی مردم در همه‌ی سطوح جامعه است. این تعریف به‌طور ضمنی بیان‌کننده‌ی دو نکته است: اول، تأمین رضایت مردم در سطح حداقل نیازهای اساسی از راه تأمین آن نیازها و دوم، افزایش سطح آزادی که با رشته انتخاب‌هایی که مردم می‌توانند داشته باشند اندازه‌گیری می‌شود. به زعم استس، اهداف توسعه‌ی اجتماعی از طریق مشارکت مردم تا بالاترین حدّ ممکن در تعیین اهداف و نتایج توسعه تعقیب می‌شوند (استس، ۲۰۰۱ به نقل از فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۹).

ورود مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به تعاریف ارائه شده از توسعه‌ی اجتماعی علاوه بر گسترش ابعاد آن یکی از مهم‌ترین شرایط دست‌یابی به توسعه‌ی اجتماعی را مورد تأکید قرار داده است. صاحب نظر برجسته‌ی اقتصادی، جوزف استیگلیتز[3] با تأکید بر این بعد، توسعه‌ی اجتماعی را توانایی هر جامعه برای حل صلح آمیز تضادها و پیوند منابع و علایق مشترک، به هنگام اختلاف منافع دانسته است؛ وی بر سرمایه‌ی اجتماعی و اعتماد در تسهیل معامله‌ی متقابل به‌عنوان عناصر مهم توسعه‌ی اجتماعی تأکید دارد (استیگلیتز، ۲۰۰۲).

سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی فعّال در حوزه‌ی توسعه نیز تعاریف خاص خود را از این مفهوم ارائه کرده‌اند که بر مبنای این تعاریف، گزارش‌های سالیانه‌ی خود را تهیه می‌کنند. در این زمینه بانک جهانی در تعریف توسعه‌ی اجتماعی بر دگرگونی ساختاری در زمینه‌ی افزایش انسجام اجتماعی[4] و پاسخ‌گو کردن[5] کارگزاران و سازمان‌های صاحب قدرت تأکید کرده است (بانک جهانی، ۲۰۰۲). این امر مستلزم آن است که به هنگام طراحی و راهبردهای

[1]- Richard J. Estes
[2]- Well-being
[3]- Joseph Stiglitz
[4]- Social cohesion
[5]- Making accountable

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

توسعه، اطلاعات لازم و کافی در باره‌ی پویایی‌شناسی قدرت[1]، دستگاه فرهنگی و نظام ارزشی حاکم بر جامعه و هم‌چنین ساختارهای رسمی و غیررسمی اجتماعی در اختیار داشته باشیم.

برخی ابعاد دیگر در تعاریف خاص ارائه شده از توسعه‌ی اجتماعی بر ابعادی چون امکان کسب شغل، کارآفرینی و کاهش تبعیض‌های مختلف (سازمان ملل متحد: ۲۰۰۲)، ارتقای رفاه مردم در کنار فرآیندهای پویایی توسعه‌ی اقتصادی (بانک جهانی، ۲۰۰۵) و پاسخ‌گویی بهتر، دسترسی مساوی‌تر و مناسب‌تر (بانک جهانی، ۲۰۰۵) تأکید کرده‌اند.

با در نظر داشتن تعاریف خاص ارائه شده در زمینه‌ی توسعه‌ی اجتماعی که به بخشی از آن‌ها اشاره شد؛ می‌توان ابعاد مفهوم توسعه‌ی اجتماعی را به‌صورت زیر بر شمرد:

الف- توجه و تأکید بر شاخص‌های مختلف اجتماعی از قبیل اعتماد، ادغام و انسجام اجتماعی که می‌توان آن‌ها را ذیل مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی قرار داد؛

ب- توجه و تأکید بر عوامل و پیامدهای زیست محیطی؛

ج- توجه به آزادی‌های فردی و اجتماعی، رفع تبعیضات جنسی و امنیت در پدید آوردن زمینه‌ای با ثبات برای توسعه؛

د- توجه به شاخص‌های اقتصادی؛

ه- درنظر داشتن اهدافی چون، پاسخ‌گو کردن کارگزاران، امکانات و سازمان‌های صاحب‌قدرت؛

و- ارزیابی پیامدها و دستاوردهای توسعه بر حسب تأمین نیازهای فردی و اجتماعی انسان‌ها؛

ز- مشارکت مردم در برنامه‌ریزی، تأمین منابع، اجرا و ارزیابی طرح‌های توسعه‌ای (غالباً با عاملیت سازمان‌های غیردولتی[2]، سازمان‌های جامعه‌ی مدنی[3] و سازمان‌های مبتنی بر اجتماعات محلی[4]).

با توجه به موارد فوق به‌نظر می‌رسد سازه‌ی توسعه‌ی اجتماعی دارای ابعاد متنوعی است که هر یک از تعاریف خاص ارائه شده از این مفهوم به تنهایی، توانایی پوشش تمامی این ابعاد را ندارد و از این رو نیازمند ارائه‌ی تعریفی عام از توسعه‌ی اجتماعی هستیم.

---

[1]- Power dynamics
[2]- NGOs
[3]- CSOs
[4]- CBOs

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۲-۲- تعاریف عام از توسعه‌ی اجتماعی

گری جاکبز[۱] و هارلن کلولند[۲] (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «ابعاد نظریه‌ی توسعه‌ی اجتماعی» با اتّخاذ رویکردی عام این تعریف از توسعه‌ی اجتماعی را ارائه کرده‌اند: «توسعه اجتماعی فرایندی است که فعالیت‌ها و انرژی‌های بشر را در سطوح بالا برای رسیدن به نتایج بهتر سازماندهی و از توان او استفاده می‌کند».

گونبر[۳]، مک فارلند[٤] و آسوکان[٥] (۱۳۸۷) نیز با معادل قرار دادن مفهوم توسعه و توسعه‌ی اجتماعی آن را عزیمت همه جانبه (نظری – عملی) و رو به کمال جامعه از سطوح پایین به سطوح بالای توانایی، کارآمدی[٦]، کیفیت، بهره‌وری[۷]، پیچیدگی، درک، خلّاقیت[۸]، مهارت[۹]، لذت و فضیلت دانسته‌اند.

جونز و پند (۱۳۸۷) در مقاله‌ی خود با عنوان «توسعه‌ی اجتماعی از طریق دگرگونی نهادی» و با در نظر داشتن تعریفی عام از توسعه‌ی اجتماعی این تعریف را ارائه داده‌اند: «توسعه‌ی اجتماعی تلفیقی از سازماندهی اجتماعی و برنامه‌ریزی و طراحی اجتماعی است. اما چیزی بیش از تجمیع ساده این دو حوزه است. توسعه‌ی اجتماعی، استراتژی سیاسی، توسعه‌ی اقتصادی، حمایت اجتماعی، تحلیل برنامه‌ریزی، دولت، و پژوهش ارزشیابی را شامل می‌شود و آن‌ها را در کنار هم می‌خواهد».

آزاد و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ی خود با عنوان «شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی»، با اتخاذ رویکردی که می‌توان آن را نوعی رویکرد عام به مفهوم توسعه‌ی اجتماعی دانست؛ این نوع از توسعه را بیان‌کننده‌ی کیفیت سیستم اجتماعی دانسته و آن را به پنج بعد هم‌بستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی، امنیت اجتماعی و اخلاق توسعه اجتماعی تقسیم نموده‌اند.

---

[1]- Garry Jacobs
[2]- Harlan Cleveland
[3]- Gomberg
[4]- Mcfarland
[5]- Asokan
[6]- efficiency
[7] - productivity
[8] - creativity
[9] - mastery

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

با در نظر گرفتن حیطه‌ای حداکثری برای مفهوم جامعه به معنای در برگیرنده‌ی اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... و هم‌چنین پاسخی که از این پرسش بنیادی یعنی: اصولاً چرا جوامع باید توسعه یابند؟ به‌دست می‌آید و ترکیب آن با برخی پژوهش‌های نظری موجود می‌توان تعریفی کارامد از توسعه‌ی اجتماعی ارائه کرد و توانایی نهفته در این مفهوم را به میزان بیش‌تری آزاد کرد. آن‌چه که در سطور بعد می‌آید تلاشی مقدماتی برای نیل به این مقصود است. ابتدایی‌ترین نیازی که بشر با آن در طول تاریخ خود مواجه بوده است نیاز به بقاء در محیطی پیچیده است. از آن‌جا که انسان برای بقا در محیط پیچیده‌ی پیرامون خود از نظر زیستی تجهیز نشده است، برای بقا نیازمند سازماندهی نهادها و زندگی اجتماعی است (ترنر، ۳۱:۲۰۰۶). اما خود جامعه و نهادهای مختلف موجود در آن نیز همانند انسان با محیطی پیچیده روبه‌رو هستند[۳] که نحوه‌ی مواجهه با این محیط و پاسخ‌هایی که یک جامعه در کلیت آن به این پیچیدگی‌ها می‌دهد، طول بقای آن جامعه را در میان جوامع انسانی مختلف رقم می‌زند. با در نظر داشتن این مباحث می‌توان یک تعریف از توسعه‌ی اجتماعی را به ترتیب زیر ارائه کرد:

توسعه‌ی اجتماعی عبارت است از افزایش توانایی جوامع انسانی برای مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی‌ای که به مسأله‌ی بقای جوامع ارتباط می‌یابند. با توجه به عدم توانایی علم برای شناسایی تمامی ابعاد زندگی اجتماعی که با بقاء و زوال یک جامعه ارتباط می‌یابد، مفهوم توسعه‌ی اجتماعی مفهومی سیّال است و با گسترش دانش بشری پیرامون مخاطراتی که بقای جوامع انسانی را تهدید می‌کنند این مفهوم ابعاد گسترده‌تری می‌یابد. از این منظر جوامعی از نظر میزان توسعه‌ی اجتماعی در سطوح بالاتری قرار دارند که در مقایسه با سایر جوامع از نظر مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی عملکردها و واکنش‌های بهتری دارند و در نتیجه احتمال بقای خود را در مقایسه با سایر جوامع افزایش داده‌اند. به نظر می‌رسد این تعریف از جهاتی از مزیّت‌هایی در مقایسه با سایر تعاریف ارائه شده برخوردار است. نخست این‌که با مبتنی کردن مفهوم توسعه‌ی اجتماعی بر یک نیاز بنیادین و مشترک در میان انسان‌ها و جوامع انسانی، تا حدود بسیاری از نگرش‌های ارزشی که در بعضی موارد بر سایر تعاریف ارائه شده به شدّت حاکم است و از این رو تعمیم آن‌ها به جوامع مختلف را با مشکل مواجه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

می‌کند دوری می‌نماید. در ثانی با در نظر داشتن پیچیدگی‌های محیطی کلیه‌ی ابعادی که در تمامی تعاریف خاص ارائه شده از توسعه‌ی اجتماعی ذکر شده است در بر می‌گیرد.

پیش از ورود به بحث شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی و با در نظر داشتن مطالب فوق معیار این مقاله، برای ترجیح یک شاخص به شاخص دیگر در زمینه‌ی توسعه‌ی اجتماعی توانایی آن شاخص برای سنجش وضعیت کلی یک جامعه در ارتباط با پیچیدگی‌های محیطی مختلفی است که جوامع انسانی را احاطه کرده است. از این‌رو شاخصی موفق‌تر است که وضعیت جامعه را در ارتباط با پیچیدگی‌های محیطی پیرامونش به صورت کامل‌تری مشخص کند.

با توجه به همین امر در بخش بعدی با بررسی شاخص‌های مختلف ارائه شده از سوی سازمان‌های مختلف در زمینه‌ی توسعه‌ی اجتماعی، کامل‌ترین این شاخص‌ها معرفی می‌شود و در بخش‌های بعد، بر آن اساس، گزارشی پیرامون وضعیت توسعه‌ی اجتماعی در ایران ارائه خواهد شد.

۳- شاخص‌های مختلف توسعه‌ی اجتماعی

به لحاظ تاریخی، اولین سند مهم سازمان ملل متحد درباب توسعه‌ی اجتماعی مربوط به گزارش سال ۱۹٥٤ است. گروهی از کارشناسان در باره‌ی تعریف بین‌المللی و سنجش معیارها و سطوح توسعه‌ی اجتماعی، که در آن زمان سطوح زندگی نام‌گذاری شده بود، گزارش مفصلی را تهیه کرده بودند. شاخص‌های این گزارش عبارت بودند از: ۱- بهداشت، شامل شرایط جمعیت شناختی؛ ۲- غذا و تغذیه؛ ۳- آموزش و پرورش، شامل مواد و مهارت آموزی؛ ٤- شرایط کار؛ ٥- وضعیت اشتغال؛ ٦- مصرف کل پس اندازها؛ ۷- حمل و نقل؛ ۸- مسکن، شامل تسهیلات خانگی؛ ۹- پوشاک؛ ۱۰- تفریح و استراحت؛ ۱۱- امنیت اجتماعی و ۱۲- آزادی های بشری (زاهدی، ۱۳۸٦: ۲٥۷).

پیرو سند و گزارش فوق، سازمان ملل با شناخت از این موضوع که شاخص‌هایی که قرار است پیشرفت هر یک از این اجزا را مورد سنجش قرار دهد، در اصل متعددند و در بیش‌تر کشورها داده‌های اطلاعاتی لازم برای بسیاری از آن‌ها وجود ندارد، صورتی از شاخص‌های دارای اولویت را پیشنهاد کرد که عبارت بودند از: ۱- امید به زندگی در هنگام تولد؛ ۲- میزان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مرگ و میر نوزادان؛ ۳- میانگین ملی تأمین مواد غذایی بر حسب کالری های مورد نیاز سطح جزیی در مقایسه با مقدار برآورد شده‌ی کالری های مورد نیاز؛ ٤-نسبت کودکان ۵ تا ١٤ ساله که در مدارس نام نویسی کرده اند؛ ۵- نسبت درصد جمعیت با سواد بالاتر از یک سن خاص، کل این جمعیت و توزیع آن از لحاظ جنسیتی؛ ٦- نسبت جمعیت فعّال از لحاظ اقتصادی یا به عبارت دیگر درصد بی‌کاری؛ ۷- نسبت درصد توزیع جمعیت فعّال از لحاظ اقتصادی بر اساس طبقه‌بندی‌های اصلی صنعتی و شغلی؛ ۸- مصرف فردی به صورت نسبتی از درآمد ملی و شاخص تغییرات ناشی از آن (گای و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۷). از آن زمان تا اوایل دهه‌ی نود میلادی، برای توصیف دقیق‌تر وضعیت توسعه‌ی اجتماعی، شاخص‌های دیگری نیز به مرور طراحی شدند که این شاخص‌ها بیش‌تر در ارتباط با حوزه‌های بهزیستی و مراقبت اجتماعی قرار می‌گرفتند.

انتشار سلسله گزارش‌های سالانه‌ی توسعه‌ی انسانی[1] از سوی برنامه‌ی عمران سازمان ملل متحد[2] از سال ۱۹۹۰، مشخصاً موجب ارتقای رویکردهای عمومی به سنجش توسعه‌ی اجتماعی شد. بر پایه‌ی روش‌های اعلام شده در این گزارش‌ها، اجزای شاخص توسعه‌ی انسانی در بر گیرنده‌ی: امید به زندگی به هنگام تولّد، میزان باسوادی بزرگ‌سالان، نسبت ترکیبی ثبت‌نام در دوره‌های ابتدایی، متوسطه و دبیرستان و تولید ناخالص داخلی سرانه به دلار بر پایه‌ی شاخص برابری توان خرید هستند. پس از برآورد شاخص‌های یاد شده، سه نماگر ترکیبی: طول عمر (امید به زندگی در بدو تولد)، سطح آموزش (میزان باسوادی بزرگ‌سالان با ضریب دو سوم، و نیز میزان ثبت‌نام در کلیه‌ی مقاطع تحصیلی با ضریب یک سوم)، و سطح معاش آبرومند (سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی بر حسب دلار) محاسبه می‌شود که شاخص توسعه‌ی انسانی میانگین غیر وزنی این سه شاخص است.

در مجموع اگر بخواهیم دسته‌بندی‌ای از شاخص‌های به‌کار گرفته شده در طی سالیان اخیر برای سنجش توسعه‌ی انسانی و اجتماعی ارائه دهیم می‌توانیم، چنین شاخص‌های پیشنهادی را در چهار دسته طبقه‌بندی کنیم: نخستین دسته به شرایط زندگی: بهداشت، تغذیه، مسکن، دسترسی به آب و تسهیلات بهداشتی و مشابه آن‌ها اشاره دارد. دسته‌ی دوم به جنبه‌های اطلاعاتی و فرهنگی: سوادآموزی، آموزش و پرورش، کتابخانه‌ها، روزنامه‌ها،

[1]- HDR: Human Development Reports
[2]- UNDP: United Nation Development Program

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

موسیقی، تئاتر و هنرهای زیبا می پردازد. سومین دسته مربوط به مسائل اجتماعی: حقوق بشر، وضعیت زنان، مشارکت، برابری، امنیت فردی، کودکان کار، استعمال مواد مخدر، فساد و وضعیت محیط زیست است. دسته‌ی چهارم نیز شاخص‌های مربوط به ذهن و جان آدمی: خوشبختی، احساس امنیت، رضایت‌مندی، آرامش، امید به زندگی و مشابه آن‌ها است (اکبری، ۱۳۸۰: ۳٤).

به‌طور خاص در حوزه‌ی توسعه‌ی اجتماعی، در دهه‌ی اخیر تلاش‌های وسیعی برای تعیین شاخصی مستقل صورت پذیرفته است. از جمله‌ی مهم‌ترین این تلاش‌ها می‌توان به گزارش توسعه‌ی اجتماعی در سال ۲۰۰٦[1] در کشور هند اشاره کرد. در این گزارش با در نظر گرفتن شش بعد اصلی توسعه‌ی اجتماعی، سعی شده تا یک شاخص مرکب از این سازه‌ی مفهومی ایجاد گردد. شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی[2] در این گزارش عبارتند از:

۱- شاخص‌های دموگرافیک[3] (میزان شیوع پیشگیری از بارداری[4]، میزان کلی زاد و ولد[5]، و نیز میزان مرگ و میر نوزادان[6])؛

۲- شاخص‌های سلامت[7] (درصد موالید رسمی[8]، و درصد کودکان دچار سوء تغذیه[9])؛

۳- شاخص‌های امکانات اساسی[10] (درصد خانوارهایی که مسکن دائمی دارند، درصد خانوارهایی که به آب قابل شرب دسترسی دارند، درصد خانوارهایی که از امکانات بهداشتی برخوردارند و نیز درصد خانوارهایی که به برق دسترسی دارند)؛

٤- شاخص‌های پیشرفت تحصیلی[11] (میزان سواد، نسبت دانش آموز به معلم، و میزان حضور در مدرسه)؛

۵- شاخص‌های محرومیت اقتصادی[12] (میزان بی‌کاری، نسبت جینی برای هزینه‌ی مصرفی سرانه[13])؛

---

[1]- Social Development Report, 2006
[2]- SDI: Social Development Index
[3]- Demographic Parameters
[4]- CPR: Contraceptive Prevalence Rate
[5]- TFR: Total fertility Rate
[6]- IMR: Infant Mortality Rate
[7]- Health Indicators
[8]- Percentage of Institutional Delivery
[9]- Percentage of Undernourished Children
[10]- Basic Amenities Indicators
[11]- Educational Attainment Indicators
[12] - Economic Deprivation Indicators
[13] - Gini Ratio for Per Capita Consumption Expenditure

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

٦- شاخص‌های مرتبط با محرومیت اجتماعی[1] (نسبت میان سواد جمعیت کاست برنامه‌ریزی شده و متوسط سواد جمعیت[2]، نسبت میان سواد جمعیت قبیله‌ای برنامه‌ریزی شده و متوسط سواد جمعیت[3]، نسبت میان هزینه‌ی مصرفی ماهانه‌ی سرانه مسلمانان به کل جمعیت[4]، نسبت میان سواد جمعیت زنان و متوسط سواد کل جمعیت[5]، نسبت میان میزان بی‌کاری زنان به میزان بی‌کاری کل[6]، نسبت جنسیتی کودکان[7]).

مرکز سیستم‌های پایدار[8] دانشگاه میشیگان نیز در ضمن ارائه‌ی گزارشی از وضعیت شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی در جهان (مرکز سیستم‌های پایدار، ۲۰۱۳) شاخص‌های زیر را که بسیاری از آن‌ها برای سنجش پیشرفت به سوی اهداف توسعه‌ی هزاره[9] مورد استفاده قرار می‌گیرد به‌عنوان شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی معرفی کرده است:

۱- شاخص‌های جمعیتی، با شاخص‌هایی هم‌چون مقدار جمعیت و رشد آن، مسائلی که جمعیت‌های انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد از قبیل ایدز، مرگ و میر کودکان، مرگ مادران، باروری نوجوانان، و امید به زندگی در بدو تولد؛

۲- استانداردهای زندگی، با شاخص‌هایی از قبیل تعداد افرادی که زیر خط فقر جهانی زندگی می‌کنند، توزیع عادلانه‌ی درآمد، و تعداد افراد بی خانمان؛

۳- غذا، مقدار درآمد متوسط مصرف شده برای غذا، نوشیدنی و دخانیات. این میزان برای کشورهایی با درآمد بالا ۱۷درصد و برای کشورهایی با درآمد پایین ۵۳درصد است. به‌طور متوسط آمریکایی‌ها کمتر از ۱۰درصد و نیجریه‌ای‌ها ۷۳درصد از درآمد خود را صرف غذا می‌کنند؛

٤- آب و فاضلاب، تعداد افرادی که به آب آشامیدنی و سیستم فاضلاب مناسب دسترسی دارند به تفکیک شهر و روستا؛

۵- بیماری‌ها و مراقبت سلامت، درصد افرادی که به بیماری‌های عمده‌ای چون ایدز مبتلا هستند و یا در اثر آن فوت کرده‌اند و میزان شیوع این بیماری‌ها؛

---

[1]- Social Deprivation Related Indicators
[2]- Ratio between Literacy of the Scheduled Caste Population and Average Literacy of the Population
[3]- Ratio between Literacy of the Scheduled Tribe Population and Average Literacy of the Population
[4]- Ratio between Monthly Per Capita Consumption Expenditure of Muslims to the Total Population
[5]- Ratio between Literacy of Female Population and Average Literacy of Total Population
[6]- Ratio between Female Unemployment Rates to Total Unemployment Rates
[7]- Child Sex Ratio
[8]- Center for Sustainable Systems
[9]- Millennium Development Goals (MDG)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

٦- آموزش و اشتغال، میزان سواد در یک کشور، تعداد کودکانی که در مدارس ثبت‌نام کرده‌اند و حداقل دست‌مزدی که به مشاغل تعلق می‌گیرد؛
۷- محیط زیست، میزان آلودگی محیط زیست و تولید گازهای گلخانه‌ای.

مؤسسه‌ی معتبر لگاتیوم[1] نیز هر ساله با استفاده از داده‌هایی که خود گردآوری می‌کند و ترکیب آن با داده‌های نظرسنجی جهانی گالوپ[2]، پیمایش ارزش‌های جهانی[3] و سایر داده‌های معتبر جهانی رتبه‌بندی‌ای از کشورهای جهان، با عنوان شاخص[4] ارائه می‌کند. در این شاخص ۸۹ متغیّر که زیر مجموعه‌ی ۸ خرده شاخص اقتصاد[5]، کارآفرینی و فرصت[6]، حکمرانی[7]، آموزش[8]، سلامت[9]، ایمنی و امنیت[10]، آزادی فردی[11] و سرمایه‌ی اجتماعی[12] هستند مورد سنجش قرار می‌گیرند. شاخص کامیابی منتشر شده از سوی این نهاد تنها سنجش جهانی از موفقیت ملل، مبتنی بر درآمد و رفاه است. این سنجش تقریباً تمامی متغیّرهایی را که در تعاریف مختلف از توسعه‌ی اجتماعی به آن‌ها اشاره شده است مورد سنجش قرار داده و با توجه به تحت پوشش قرار دادن ۱٤۲ کشور جهان منبعی ارزشمند برای مقایسه‌های میان کشوری در این زمینه را ایجاد کرده است.

یکی دیگر از مهم‌ترین مؤسسات و نهادهایی که تخصص کاری‌اش در حوزه‌ی توسعه اجتماعی است، مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات اجتماعی[13] است، که هر پنج سال، گزارشی را با عنوان شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی[14] ارائه می‌کند و داده‌های آن را در دسترس عموم قرار می‌دهد. در این گزارش‌ها، توسعه‌ی اجتماعی در قالب ٦ شاخص زیر مورد سنجش قرار گرفته است:

[1] -Legatum
[2] - Gallup World Poll
[3] -World Values Survey
[4]- Prosperity index
[5]- economy
[6]- Entrepreneurship and opportunity
[7]- Governance
[8]- education
[9]- Health
[10]- Safety and security
[11]- Personal freedom
[12]- Social capital
[13]- ISS: International Institude of Social Studies
[14]- ISD: Indices of Social Development

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱- فعالیت مدنی[1] ۲- باشگاه‌ها و انجمن‌ها[2] ۳- انسجام درون گروهی[3] ٤- اعتماد و امنیت میان شخصی[4] ٥- برابری جنسیتی[5] و ٦- ادغام اقلیت‌ها[6].

در میان پژوهش‌های صورت گرفته در داخل کشور هیچ یک از این پژوهش‌ها به بررسی وضعیت توسعه‌ی اجتماعی در ایران در مقایسه با سایر کشورها نپرداخته‌اند و اندک پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه بر تفاوت‌های موجود در زمینه‌ی توسعه اجتماعی در میان استان‌های کشور متمرکز شده‌اند. از آن‌جا که شاخص‌های انتخاب شده از سوی این پژوهش‌ها در مقایسه با شاخص‌های معرفی شده فوق از جامعیت کمتری برخوردار و تنها برخی ابعاد توسعه اجتماعی را مورد سنجش قرار می‌دهند جهت جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آنها در این بخش خودداری می‌نماییم. (رک: لشکری، ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷؛ ریاحی،۱۳۸۰؛ اکبری، ۱۳۸۰؛ اسماعیلی، ۱۳۸۵؛ میر هاشمی و همکاران، ۱۳۸۷؛ رضایی اسکندری، ۱۳۸۹ و بابایی فرد، ۱۳۸۹).

از میان شاخص‌های مختلف معرفی شده، دو شاخص کامیابی مؤسسه‌ی لگاتیوم، علی‌رغم عنوان متفاوت آن با توسعه‌ی اجتماعی و شاخص توسعه‌ی اجتماعی مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات اجتماعی از جامعیت بیش‌تری برخوردار است و ابعاد بیش‌تری از مفهوم توسعه‌ی اجتماعی را مورد سنجش قرار می‌دهد. همان‌طور که در ادامه نیز ملاحظه خواهد شد از میان این دو شاخص نیز شاخص کامیابی مؤسسه‌ی لگاتیوم نزدیکی بیش‌تری با تعریف ارائه شده در این مقاله پیرامون توسعه‌ی اجتماعی دارد و ابعاد گسترده‌تری از این مفهوم پیچیده را مورد سنجش قرار می‌دهد که همین امر این شاخص را نزدیک‌ترین شاخص موجود به تعریف عام توسعه‌ی اجتماعی ساخته است. در دسترس بودن تمامی اطلاعات گردآوری شده از سوی این مؤسسه در ارتباط با ۸۹ متغیّر سنجیده شده در سایت این مؤسسه، امکانات بسیار مناسب این سایت برای بررسی و مقایسه‌ی اطلاعات و سنجش هر ساله‌ی آن از سوی مؤسسه‌ی لگاتیوم از دیگر مزایایی است که در کنار جامعیت این شاخص

[1]- Civic Activism
[2]- Clubs and Associations
[3]- Intergroup Cohesion
[4]- Interpersonal Safety and Trust
[5]- Gender Equality
[6]- Inclusion of Minorities

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

و نزدیکی آن با مفهوم پیچیده‌ی توسعه‌ی اجتماعی آن را تبدیل به مناسب‌ترین شاخص موجود برای تعیین وضعیت توسعه اجتماعی در کشورهای مختلف کرده است.

در ادامه‌ی مقاله با توجه به دو شاخص کامیابی مؤسسه‌ی لگاتیوم و شاخص توسعه‌ی اجتماعی مؤسسه‌ی مطالعات اجتماعی گزارشی از وضعیت رتبه‌ای ایران در زمینه‌ی توسعه‌ی اجتماعی ارائه می‌شود.

٤- وضعیت توسعه‌ی اجتماعی در ایران

یکی از مهم‌ترین نهادهای تخصصی‌ای که در ارتباط با بررسی وضعیت توسعه‌ی اجتماعی در ایران می‌توان به آن رجوع کرد و ابعاد مختلفی از مفهوم توسعه‌ی اجتماعی را مورد سنجش قرار داده است، مؤسسه‌ی بین المللی مطالعات اجتماعی[1] است، که هر پنج سال گزارشی با عنوان شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی[2] ارائه می‌کند. در این گزارش‌ها، با بهره‌گیری از داده‌ها و منابع اطلاعاتی متنوع، سازه‌ی توسعه‌ی اجتماعی توسط ۲۰۰ شاخص جزئی مورد سنجش قرار گرفته است که در نهایت در قالب ٦ شاخص کلی زیر خلاصه و ارائه می‌شوند:

۱- فعالیت مدنی[3]: اشاره به هنجارهای اجتماعی، سازمان‌ها و شیوه‌های عملی دارد که مشارکت بیش‌تر شهروندان را در سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های عمومی تسهیل می‌کند و دربرگیرنده‌ی دسترسی به انجمن‌های مدنی، مشارکت در رسانه‌ها، و ابزارهای مشارکت در فعالیت‌های مدنی هم چون تظاهرات مسالمت‌آمیز و یا دادخواست است.

۲- باشگاه‌ها و انجمن‌ها[4]: این شاخص اندازه‌گیری می‌کند که تا چه حدّ زندگی انجمنی در داخل شهرها، محله‌ها و روستاها وجود دارد. چنین پیوندهایی امنیت و رفاه افراد را از طریق یک سیستم روابط اجتماعی تضمین می‌کنند.

۳- انسجام درون گروهی[5]: این شاخص تنش‌های قومی و فرقه‌ای و تبعیض را اندازه‌گیری و مشخص می‌کند که تا چه اندازه انسجام اجتماعی میان گروه‌های تعریف شده‌ی مذهبی،

[1]- ISS: International Institude of Social Studies
[2]- ISD: Indices of Social Development
[3]- Civic Activism
[4]- Clubs and Associations
[5]- Intergroup Cohesion

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

قومی و زبانی وجود دارد؛ بدون آن‌که به ناآرامی‌های مدنی و یا خشونت درون گروهی استحاله پیدا کند.

٤- اعتماد و امنیت میان شخصی[1]: این شاخص مشخص می‌کند که تا چه حدّ انسجام اجتماعی در میان غریبه‌ها وجود دارد. چنین انسجامی از طریق پیوندهای اعتماد، کنش متقابل، و فقدان نیت مجرمانه متجلی می‌شود. در جامعه‌ای با امنیت و اعتماد میان فردی بالا، جرم‌های خشونت‌آمیز نادر است و مردم لازم نیست از نقص حقوق شخصی و مالکیت خود در هراس باشند.

٥- برابری جنسیتی[2]: این شاخص اندازه‌گیری می‌کند که زنان تا چه اندازه از فرصت‌های برابر با مردان در زمینه‌های تحصیلات و اشتغال، چه در خانه و چه در زندگی سیاسی برخوردارند.

٦- ادغام اقلیت‌ها[3]: این شاخص سطح تبعیض علیه گروه‌های آسیب‌پذیر هم چون مردمان بومی، مهاجران، پناهندگان و گروه‌های طبقات پایین جامعه را در بر می‌گیرد.

به زعم مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات اجتماعی، توسعه‌ی اجتماعی سازه‌ای است که اشاره به نهادهایی از جامعه دارد که از طریق آن‌ها توسعه ایجاد می‌شود. منظور از نهادها، هنجارهای اجتماعی رسمی و غیر رسمی است که ساخت رفتارها را بر عهده دارند. به این ترتیب، توسعه در این معنا، در ابعاد نرم آن در نظر گرفته شده است که غالباً غیر قابل مشاهده است و از این رو برای اندازه گیری دشوار است. چنین ابعادی از توسعه که در برگیرنده‌ی مفاهیمی چون سرمایه‌ی اجتماعی، تبعیض و طرد اجتماعی است، از طرفی در مقابل ابعاد سخت توسعه مانند شاخص‌های اقتصادی و زیستی قرار می‌گیرد، و از طرف دیگر مکمّل آن‌ها در ارزیابی کلی از وضعیت توسعه محسوب می‌شود.

وضعیت نمره‌ای و رتبه‌ای شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی در ایران در طی سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰، در جدول شماره‌ی یک نشان داده شده است. شایان ذکر است که در سال ۲۰۱۰ امکان گردآوری داده‌ها برای ۱۹۲ کشور امکان‌پذیر بوده که در این میان تمامی داده‌ها

[1]- Interpersonal Safety and Trust
[2]- Gender Equality
[3]- Inclusion of Minorities

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

برای این ۱۹۲ کشور نیز در دسترس نبوده و تعداد کشورهایی که اکثر داده‌ها در مورد آن‌ها گردآوری شده است ۱۲۹ کشور است.

جدول شماره‌ی یک- وضعیت شاخص های توسعه‌ی اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران طی سال های ۱۹۹۰-۲۰۱۰(منبع: سایت مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات اجتماعی)[٤]

سال		فعالیت مدنی	باشگاه‌ها و انجمن‌ها	انسجام درون گروهی	اعتماد و امنیت میان شخصی	برابری جنسیتی	ادغام اقلیت‌ها	رتبه کلی
۱۹۹۰	نمره	۰/٤٦٦	-	۰/۵۷۸	-	۰/۵۲۰	-	-
	رتبه	۹۷		٦۰		۱٦۵		
۱۹۹۵	نمره	۰/٤۵۹	-	۰/٦۱۹	-	۰/۵۲۱	-	-
	رتبه	۱۰۲		٤۵		۱۵٦		
۲۰۰۰	نمره	۰/٤۹٤	۰/۳۹۵	۰/٤۸۵	-	۰/۵۰۹	۰/٤۷٤	-
	رتبه	۸۱	۸۹	۷۲		۱۸۱	۵۵	
۲۰۰۵	نمره	۰/٤۹۷	۰/۳٤۸	۰/۵۳۱	۰/۵۷۱	۰/٦٦۷	۰/٤۲۵	۸۵
	رتبه	۸۷	۹۸	۱۲۵	۱۷	۱٦۲	۱۰۷	
۲۰۱۰	نمره	۰/۵۰٤	۰/۳۱۹	۰/٦۱۷	۰/۵٦۵	۰/۵٦۹	۰/٤۱۸	۹۹
	رتبه	۸۷	۱۰۷	۱۲۳	۳۱	۱٦۵	۹۹	

مقایسه‌ی وضعیت شاخص‌های ایران و نروژ به‌عنوان یکی از برترین کشورهای جهان در این زمینه در سال ۲۰۱۰، بر اساس داده‌های مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات اجتماعی به شرح جدول زیر است:

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی دو- مقایسه وضعیت شاخص های توسعه‌ی اجتماعی ایران و نروژ (منبع داده‌ها: سایت مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات اجتماعی)

کشور	فعالیت مدنی	باشگاه‌ها و انجمن‌ها	انسجام درون گروهی	اعتماد و امنیت میان شخصی	برابری جنسیتی	ادغام اقلیتها
ایران (۹۹)	۰/۵۰٤ (۸۷)	۰/۳۱۹ (۱۰۷)	۰/٦۱۷ (۱۲۳)	۰/٥٦٥ (۳۱)	۰/٥٦۹ (۱٦٥)	۰/٤۱۸ (۹۹)
نروژ (۳)	۰/٦٦۱ (۳)	۰/٥٥۲ (٤۰)	۰/۷۸٥ (۳)	۰/٦٤۸ (۳)	۰/۹٦۸ (۱۰)	۰/٥۹۱ (۷)

مؤسسه‌ی معتبر لگاتیوم[1] هر ساله با استفاده از داده‌هایی که خود گردآوری می‌کند و ترکیب آن با داده‌های نظرسنجی جهانی گالوپ[2] و پیمایش ارزش‌های جهانی[3] رتبه‌بندی‌ای را از کشورهای جهان تحت عنوان شاخص کامیابی[4] ارائه می‌کند. در این سنجش ۸۹ متغیّر که زیر مجموعه ۸ شاخص اصلی اقتصاد[5]، کارآفرینی و فرصت[6]، حکمرانی[7]، آموزش[8]، سلامت[9]، ایمنی و امنیت[10]، آزادی فردی[11] و سرمایه‌ی اجتماعی[12] است مورد سنجش قرار گرفته است.

اگرچه این مؤسسه این شاخص را، شاخص موفقیت یا کامیابی نامیده است؛ با در نظر داشتن تعریف توسعه‌ی اجتماعی و ابعاد مختلف این مفهوم که در بخش‌های پیشین به آن‌ها اشاره شد به‌نظر می‌رسد که در مقایسه با سایر شاخص‌های ارائه شده از قابلیت بیش‌تری برای سنجش ابعاد مختلف مفهوم توسعه‌ی اجتماعی برخوردار است.

در ادامه با تمرکز بر داده‌های منتشر شده از سوی این مؤسسه و با مقایسه‌ی شاخص‌های ایران با کشور نروژ که در رتبه‌ی نخست این رتبه‌بندی قرار دارد و کشورهای ۱٦ گانه‌ی

[1] -Legatum
[2] -Gallup World Poll -www.prosperity.com
[3] -World Values Survey
[4]- Prosperity index
[5]- Economy
[6]- Entrepreneurship and opportunity
[7]- Governance
[8]- Education
[9]- Health
[10]-Safety and security
[11]-Personal freedom
[12]-Social capital

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

حاضر در منطقه‌ی خاورمیانه سعی می‌شود به گونه‌ای تطبیقی وضعیت توسعه‌ی اجتماعی در ایران را تا حدّ امکان مشخص شود.

بر اساس رتبه‌بندی ارائه شده از سوی مؤسسه‌ی لگاتیوم در سال ۲۰۱۳ ایران از نظر رتبه‌بندی کلی در میان ۱٤۲ کشور مورد بررسی در جایگاه صدویکم جهان قرار گرفته است که در مقایسه با سال ۲۰۱۲ یک رتبه صعود را نشان می‌دهد. در این رتبه‌بندی کشور نروژ همانند سال ۲۰۱۲ در جایگاه نخست قرار دارد.

هشت خرده شاخص سنجیده شده توسط مؤسسه‌ی لگاتیوم برای تولید یک رتبه‌بندی کلی به یک اندازه وزن داده شده‌اند (لگاتیوم، ۲۰۱۲: ۳). برای شناخت جایگاه ایران در جهان و منطقه در جدول شماره‌ی سه وضعیت رتبه‌ای آن با جایگاه نروژ به‌عنوان کشور نخست جهان، امارات متحده عربی به‌عنوان کشور نخست منطقه و کشورهای ۱٦گانه منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا در رتبه‌بندی جهانی مقایسه شده است. نکته‌ی قابل تأمّل در این جدول سقوط ۲۰ پله‌ای ایران در خرده شاخص اقتصادی است که با توجه به تأثیراتی که عوامل اقتصادی بر سایر خرده شاخص‌ها دارند، به‌نظر می‌رسد در صورت عدم جبران این افت، اثرات مخرّب آن در سالیان آتی بر سایر خرده شاخص‌ها خود را نشان خواهد داد.

جدول شماره‌ی سه- جایگاه ایران، نروژ و امارات متحده عربی در جهان از نظر رتبه‌بندی جهانی در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ (منبع: سایت مؤسسه‌ی لگاتیوم)

		اقتصاد	کارآفرینی و فرصت	حکمرانی	آموزش	سلامت	ایمنی و امنیت	آزادی فردی	سرمایه‌ی اجتماعی	رتبه‌بندی کلی
ایران	۲۰۱۲	۷۰	۹۵	۱۲٦	۵۷	٦٦	۱۲۵	۱۲۵	۱۲۱	۱۰۲
	۲۰۱۳	۹۱	۹۳	۱۲۰	۵۷	٦۷	۱۲۳	۱۲٦	۱۲۰	۱۰۱
نروژ	۲۰۱۲	۲	٤	۱۳	٦	٤	۲	٦	۱	۱
	۲۰۱۳	۱	٦	۱۲	٤	۵	٦	۲	۱	۱

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

ادامه‌ی جدول شماره‌ی سه- جایگاه ایران، نروژ و امارات متحده عربی در جهان از نظر رتبه‌بندی جهانی در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ (منبع: سایت مؤسسه‌ی لگاتیوم)

		اقتصاد	کارآفرینی و فرصت	حکمرانی	آموزش	سلامت	ایمنی و امنیت	آزادی فردی	سرمایه‌ی اجتماعی	رتبه‌بندی کلی
امارات متحده عربی	۲۰۱۲	۱۷	۳۰	۴۱	۳۷	۳۲	۲۳	۶۶	۴۲	۲۹
	۲۰۱۳	۱۳	۲۶	۳۶	۳۹	۳۵	۲۴	۵۴	۴۸	۲۸
رتبه ایران در میان کشورهای ۱۶ گانه منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا	۲۰۱۲	۹	۱۲	۱۳	۴	۷	۱۴	۷	۱۱	۱۱
	۲۰۱۳	۱۰	۱۱	۱۳	۵	۷	۱۲	۸	۱۱	۱۱

در سال ۲۰۱۳ ایران با حفظ جایگاه خود در سال گذشته از نظر رتبه‌بندی کلی در میان کشورهای ۱۶ گانه منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا در رتبه‌ی یازدهم و در موقعیتی بهتر از کشورهایی چون مصر، سوریه، عراق، یمن و افغانستان قرار گرفته است.

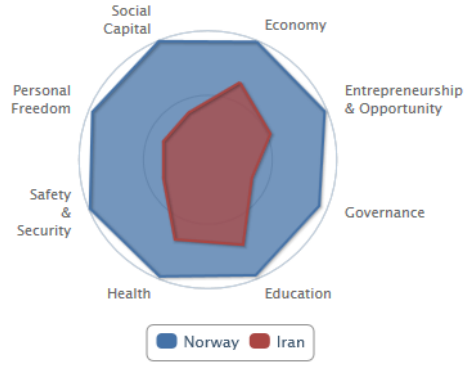
توسعه‌ی نامتوازن در ایران

با در نظر داشتن داده‌های فوق به‌نظر می‌رسد که ایران در زمینه‌ی توسعه‌ی اجتماعی در جهان و در منطقه‌ی خاورمیانه از جایگاه چندان مناسبی برخوردار نیست. مقایسه‌ی وضعیت رتبه‌ی شاخص‌های توسعه‌ای ایران و نروژ گویای واقعیت تأمّل برانگیز دیگری نیز است. همان‌طور که در جدول مربوط به رتبه‌ها مشاهده می‌شود حداکثر فاصله میان بیش‌ترین و کم‌ترین رتبه نروژ در هر یک از شاخص‌ها برابر ۱۲ است که این فاصله در سال ۲۰۱۳ به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

عدد ۱۱ کاهش یافته است؛ در حالی که این فاصله برای ایران در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ برابر ۶۹ ماست. اگر این فاصله را به عنوان نمودی از وضعیت کشورها در زمینه‌ی میزان توازن و یا عدم توازن توسعه بدانیم، ایران علاوه بر جایگاه نه چندان مناسب در رتبه بندی کلی از توسعه‌ای نامتوازن نیز رنج می‌برد که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذارن باید توجه بیش‌تری را بدان مبذول دارند؛ چرا اگر کلیّت کشور را یک سیستم بدانیم، باید گفت سیستمی از تعادل نسبی و لازم برخوردار است که اجزای آن از روابط منطقی‌ای با یک‌دیگر برخوردار باشند.

نمودار زیر بیان‌کننده‌ی وضعیت ایران و نروژ در ارتباط با شاخص‌های ذکر شده ماست که شکل متوازن نمودار نروژ (بخش روشن‌تر نمودار) و نامتوازن ایران (بخش تیره‌تر نمودار) بیان‌کننده‌ی واقعیتی است که به آن اشاره شد.



نمودار شماره۱ی یک- مقایسه‌ی وضعیت ایران و نروژ از نظر رشد متوازن (منبع: لگاتیوم)

نتیجه‌گیری

رشد دانش بشری و گردآوری حجم وسیعی از داده‌های میان رشته‌ای، جامعه‌شناسان را در موقعیتی قرار داده است که می‌توانند با اتخاذ رویکردی کل‌گرا، سیستمی و میان رشته‌ای فهم عمیق‌تر و کامل‌تری از فرایندهای اجتماعی کسب کنند و پیشنهادهای آگاهانه‌تری برای تغییر و بهبود در وضعیت جوامع ارائه دهند. در شرایط کنونی نیازمند آن هستیم که با دوری از نگرش‌های تک بعدی به توسعه و در کنار هم قرار دادن دانش به‌دست آمده از رشته‌های مختلف، جامعه را به مثابه‌ی یک کلیت و نزدیک‌تر به واقعیت آن در نظر گیریم؛ چرا که تغییر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

در یک بُعد بدون در نظر داشتن اثرات آن بر سایر ابعاد جامعه، در برخی موارد به بروز نتایج ناگواری منجر خواهد شد. در این میان به نظر می‌رسد اتّخاذ رویکردی عام به مفهوم توسعه‌ی اجتماعی به‌معنای افزایش توانایی جوامع برای مواجهه با پیچیدگی‌های محیطی، می‌تواند راهگشا باشد. این مقاله با همین رویکرد به بررسی تعاریف مختلف ارائه شده از مفهوم توسعه‌ی اجتماعی و سنجه‌های مختلفی که در پی سنجش ابعاد مختلف این مفهوم از سوی مؤسسات گوناگون است مبادرت کرد. با توجه به تعاریف و ابعاد مفهوم توسعه‌ی اجتماعی از میان شاخص‌های مختلف به نظر می‌رسد شاخص کامیابی مؤسسه‌ی لگاتیوم، علی‌رغم عنوان متفاوت، در مقایسه با سایر شاخص‌ها ابعاد بیش‌تری از این مفهوم را مورد سنجش و تصویر کامل‌تری از وضعیت توسعه‌ی اجتماعی در اختیار ما قرار می‌دهد.

ایران از نظر وضعیت توسعه‌ی اجتماعی، بر اساس شاخص کامیابی مؤسسه‌ی لگاتیوم، در میان ۱۴۲ کشور مورد بررسی در جایگاه صد و یکم جهان و در میان ۱۶ کشور حاضر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در جایگاه یازدهم قرار گرفته است. با توجه به تعریف ارائه شده از توسعه‌ی اجتماعی، این جایگاه به معنای آسیب‌پذیری بیش‌تر ایران در برابر پیچیدگی‌های محیطی است. سقوط ۲۰ پله‌ای رتبه‌ی ایران از نظر خرده شاخص‌های اقتصادی در سال ۲۰۱۳ در مقایسه با سال پیش حفظ همین وضعیت نه چندان مناسب را در سال‌های آتی دشوار کرده است. این مقاله تلاشی بود برای توصیف وضعیت کنونی توسعه‌ی اجتماعی در ایران که زمینه را برای پاسخ به پرسش‌های چرایی این وضعیت و چگونگی تغییر و بهبود آن فراهم می‌کند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

یادداشت‌ها:

[۱] تجربه سیستم‌های سیاسی‌ای که با تأکید بر توسعه‌ی اقتصادی و عدم توجه به توسعه‌ی سیاسی در بلند مدت دچار فروپاشی شده‌اند گویای همین واقعیت است.

[۲] تشکیل نشست جهانی برای توسعه‌ی اجتماعی در سال ۱۹۹۵ درکپنهاگ دانمارک از سوی سازمان ملل متحد، یکی از نقاط عطف در کاربرد رویکرد توسعه‌ی اجتماعی است. در این نشست، نمایندگانی از ۱۸٦ کشور جهان شرکت کردند که از این میان ۱۱۷ کشور در سطح رئیس دولت حضور داشتند. علاوه بر این سازمان‌های غیردولتی در تدارک این همایش نقش زیادی داشتند. رهبران کشورها در این نشست خودشان را به یک بیانیه و برنامه‌ی عملی که طیف وسیعی از سنجه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی لازم برای ریشه‌کنی فقر را پوشش می‌داد، متعهد کردند که به سند کپنهاگ شهرت یافت.

[۳] بخشی از جامعه‌شناسی نیکولاس لومن جامعه‌شناس شهیر آلمانی به مطالعه‌ی این پیچیدگی‌ها و نحوه‌ی مواجهه جوامع با آن‌ها پرداخته است برای نگاهی اجمالی به پیچیدگی‌هایی که از دید لومن جوامع انسانی با آن مواجه‌اند نگاه کنید به: ترنر، ۲۰۰۳: ٥٤-۷۱.

[٤] داده‌ها در سایت مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات اجتماعی به آدرس زیر در دسترس است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. آزاد ارمکی، تقی و مبارکی، مهدی و شهبازی، زهره (۱۳۹۱) «بررسی و شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه‌ی اجتماعی»، **فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی**، سال اول، شماره اول، ص ۷-۳۰

۲. اسماعیلی، رضا (۱۳۸۵) **بررسی شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی و سطح بندی آن در شهرستان‌های استان اصفهان**، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.

۳. اکبری، غضنفر(۱۳۸۰) «وضعیت فعلی جامعه ایران با نظر به شاخص های توسعه اجتماعی»، **مجموعه مقالات همایش توسعه‌ی اجتماعی**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

٤. بابایی‌فرد،اسداله(۱۳۸۹) «توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران»، **فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی**، سال دهم، شماره‌ی ۳۷، ۷-٥٦

۵. پیران، پرویز (۱۳۸۳) «سیاست اجتماعی، توسعه‌ی اجتماعی و ضرورت آن در ایران (نقد و بررسی سند کپنهاگ)»، **فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی**، ویژه نامه‌ی سیاست اجتماعی، شماره‌ی ۱۰، ۱۲۱-۱٥٤.

٦. جاکبز، گری و کلولند، هارلن (۱۳۸۷) **ابعاد نظریه‌ی توسعه‌ی اجتماعی، توسعه‌ی اجتماعی**، جمعی از مترجمان، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۲۹-۱۷٦.

۷. جونز، جی.اف و پند، آر.اس (۱۳۸۷) **توسعه‌ی اجتماعی از طریق دگرگونی نهادی، توسعه‌ی اجتماعی**، جمعی از مترجمان، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۸. زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۸٦) **توسعه و نابرابری**، تهران: نشر مازیار.

۹. رضایی اسکندری، داوود (۱۳۸۹) توسعه ی اجتماعی کشورهای آسیای مرکزی: یک مقایسه آماری»، **مطالعات اورآسیای مرکزی**، سال سوم، شماره ٦ ، ۱۹-. ٤۰

۱۰. ریاحی، وحید (۱۳۸۰) «وضعیت فعلی جامعه‌ی ایران با نظر به شاخص های توسعه اجتماعی»، **مجموعه مقالات همایش توسعه‌ی اجتماعی**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۱. ریگین، چارلز (۱۳۸۸) روش تطبیقی فراسوی راهبردهای کمی و کیفی. محمد فاضلی. تهران: آگه

۱۲. فیروزآبادی، سید احمد و حسینی، سید رسول و روح اله قاسمی (۱۳۸۹) «مطالعه‌ی شاخص ها و رتبه‌ی توسعه‌ی اجتماعی در استان های کشور و رابطه‌ی آن با سرمایه‌ی اجتماعی»، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال دهم، شماره‌ی ۳۷، ۵۷-۹٤.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱۳. گای، دارام و دیگران (۱۳۷۷) «بررسی شاخص‌های انسانی و اجتماعی توسعه»، **گاهنامه‌ی روستا و توسعه**، شماره‌ی چهارم.

۱٤. لشکری، محمد (۱۳۷۷) «شاخص‌های رفاه اجتماعی»، **مجله‌ی اطلاعات سیاسی- اقتصادی**، شماره‌ی ۱۳۲-۱۳۱، ۲۱٤-۲۲٤

۱۵. لشکری، محمد (۱۳۸۷) «شاخص‌های کمّی و کیفی توسعه‌ی اجتماعی»، **مجله‌ی اقتصاد و جامعه**، شماره‌ی ۱۸-۱۷، ٤۹-٦۲.

۱٦. میرهاشمی، مالک و قائدمحمدی، محمد جواد و بهنام شکری (۱۳۸۷) «تحلیل وضعیت شهرستان‌های استان تهران از نظر توسعه‌ی اجتماعی»، **فصل‌نامه‌ی پژوهش اجتماعی**، سال اول، شماره‌ی یکم، ۱۵۵-۱۷۲.

۱۷. یاگونبر، گری و مک فاربند، رابرت و آسوکان، ان. (۱۳۸۷) **نظریه‌ی جامع توسعه‌ی اجتماعی، توسعه‌ی اجتماعی**. جمعی از مترجمان، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

18. Legatum (2012) «**The 2012 legatum prosperity index**». http://webapi.prosperity.com/download/pdf/PI2012_Brochure_Final_Web.pdf

19. Ragin, charles c. (2000) **Fuzzy set social science**, Chicago: The university of chicago press

20. Ragin, charles c. (2008) **Redesigning social inquiry,** Chicago: The university of chicago press

21. Stiglitz, Joseph (2002) «Participation and Development: Perspectives from the Comprehensive Development Paradigm», **Review of Development Economics**, 6: 152-182

22. Center for sustainable systems (2013) **Social Development Indicators** css.snre.umich.edu/css_doc/CSS08-15.pdf

23. Turner, Bryan (2006) **The Cambridge dictionary of sociology**, Cambridge: Cambridge university press

24. Turner, Jonathan H. (2003) **The structure of sociological theory**, New York: Thomson.

25. United Nations (2002). **Financing Global Social Development Symposium, Feb. 7**. Annotated Agenda and Programme of Work, Department of Economic and Social Affairs. United Nations, New York.

26. World Bank (2002). **Strategic Directions for the World Bank in Social Development**. Brainstorming Workshop Notes. October, 15-16, Washington, D.C

27. World Bank, Operations Evaluation Department (2005) **Putting Social Development to Work for the poor: An OED Review of World Bank Activities**. Washington, D.C.

پایگاه‌های اینترنتی

28. http://www.indsocdev.org

29. www.prosperity.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]